



## سیاست یک سازمان چپ را در حد یک جناح حکومتی تقلیل ندهید



### صادق کار

حکومتی که همه شان از قدرت مطلقه برای ثروت اندوزی و بالا کشیدن اموال عمومی استفاده کرده و بیشترشان به قیمت فقر و سیه روزی میلیون ها شهروند محروم از حق و حقوق واقعی ثروت های هنگفت به دست آورده اند و در کاخ های هارونی و قارونی زندگی می کنند، توقع نیست که هرکدام سعی نکنند، خود را تبرئه کنند و گناه را به گردن دیگری بیندازند و سابقه فساد را به دوره معینی از حیات (تماما آلوده به فساد) نظام

طرفهای این دعوا که همه شان فاسد و آلوده هستند نیست و نه تنها منظور کارگردانان این به اصطلاح افشاگری ها را برآورده نمی کند، بلکه سبب افشای ماهیت واقعی سردمداران نظام فقهتی و نفرت و انزجار هرچه بیشتر مردم می شود که در اثر عملکرد این حکومت چنان اسیر فقر و فلاکت شده اند، که به اذعان معاون روحانی بخاطر تنگدستی و بیکاری و بی پناهی روزگارتره و سیاهشان شان را با فروش تن و فرزندانشان می گذرانند.

یک شهروند منصف وقتی که با دقت واکنش های متقابل جناح های درگیر در این ماجرا را دنبال می کند، از لایلای نوشته های پرتناقض شان به آسانی متوجه می شود که همه شان آلوده هستند و اگر تفاوت هایی بین شان احسانا هست، مربوط به حد و حدود سهم شان از فسادها است ولاغیر. بنا بر این از جناح های

جنگ لفظی بر سر فیش های حقوقی مدیران و مسئولان که چندی پیش با افشای رقبای درون حکومتی دولت از پرده بیرون افتاد شروع شد و با همت رسانه های اجتماعی بازتاب گسترده ای در جامعه یافت، با وجود خبرهای ضد و نقیضی که از برکناری برخی از مدیران و بازگرداندن بخشی از این حقوق ها به "صندوق بیت المال"، منتشر شد، در حال حاضر نیز این روند همچنان ادامه دارد. در این میان هریک از جناح های حکومتی رقیب می کوشند با استفاده از اطلاعاتی که در این مورد دارند مچ طرف مقابل را بخوابانند. این افشاگری های به لحاظ این که بر بستر یک جامعه به شدت فقیر زده و مملو از ناهنجاری های مختلف و با مردمی عاصی و خشمگین از وضعیت و از حاکمان فاسد و زورگو صورت می گیرد، خواه ناخواه فارغ از انگیزه هایی که در پس آنها نهفته است، فضایی را ایجاد می کند که در نهایت به سود هیچ یک از

بخصوص از اپوزیسیون چپ قابل قبول نیست که در این فضا، بجای افشای همه جناح های فاسد، و سبب و علل فساد حاکم، جناحی را بکوبند و در این جنگ قدرت درون حکومتی چشم بر فساد جناح دیگر بینند



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۵ تیر ۱۳۹۵ / ۲۵ ژوئن / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۹

اما هم زبانی، همراهی ضمنی و یادداشت نویسی یک نشریه چپ با ایشان و جناح دولت که به نظر می رسد با همین هدف نوشته شده، با این همه دلیل و ادله، فاقد هر نوع توجه سیاسی و منطقی است و تقلیل سطح سیاست یک سازمان سیاسی چپ به یک جناح حکومتی است.

## از تجربه دیگران

### اقتصاد غیررسمی؛ تعاریف، تئوری ها و سیاست ها

(بخش ۱۱)

از انتشارات سازمان زنان در اقتصاد غیررسمی:

در راه جهانی شدن و سازمانیابی (ویگو)

نوشته: مارتا آلتر چن

ترجمه: گودرز

#### ۴- مباحثات رسمیت بخشی

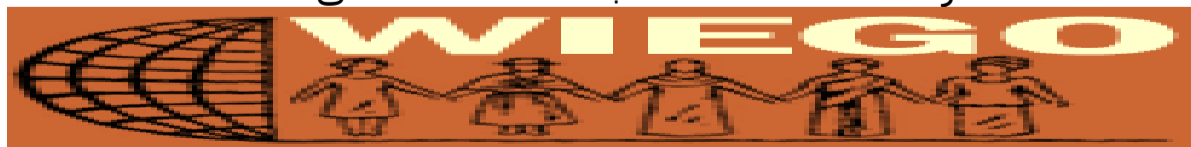
در مرکز مباحثات ناظر بر سیاستگذاری نسبت به اقتصاد غیررسمی این سؤال قرار دارد که "آیا باید به این اقتصاد رسمیت بخشید و اگر آری، چگونه؟" صاحب نظران مختلف دیدگاه های گوناگونی را در باره رسمیت بخشیدن به اقتصاد غیررسمی مطرح کرده اند. از نظر برخی از آنان این اقدام به معنای گماشتن کارگران غیررسمی به مشاغل رسمی است. اما این اقدام مستلزم ایجاد مشاغل رسمی بسیار است. برخی دیگر آن را به معنای ثبت شرکتهای غیررسمی و گرفتن مالیات از آنها می دانند.

برای کارگران و اوپراتورهای غیررسمی، که بسیاری شان همین حال هم مالیات (به صورت مالیات ارزش افزوده) و اجاره و حق امتیاز می پردازند، یا مایل به پرداخت این هزینه ها به ازای مزایای معین اند، رسمیت بخشی به معنای فراهم آوردن امکان برخورداری از حمایتهای قانونی، تأمین اجتماعی و خدمات پشتیبانی (مثل آموزشهای حرفه ای و شغلی)، اجازه سازمانیابی و داشتن حق نمایندگی در نهادهای مهم مقرراتی و سیاستگذار، و مشارکت در قرارداد کار دستار دستار جمع می آید.

ربط ندهند. آن ها کار دیگری غیر از این نمی توانند انجام دهند. ولی از برخی افراد و جریاناتی که خود را اپوزسیون هم می خوانند، بخصوص اپوزسیون چپ، قابل قبول نیست که در این فضا بجای افشای همه جناح های فاسد، و سبب و علل فساد حاکم، جناحی را بکوبند و در این جنگ قدرت درون حکومتی چشم بر فساد جناح دیگر بینند و حتی زیر لوای برخورد با فقر به بهانه موضع گیری خامنه ای در این زمینه، بسیار ظریف، به حمایت تلویحی از جریان دولت که هم تعداد افراد مولتی میلیونر و مولتی میلیاردری مانند نعمت زاده وزیر صنعت و معدن و تجارت... که با استفاده از رانت قدرت به چنین ثروت هنگفتی دست یافته اند، پردازند و از برنامه دولتی حمایت کنند، که بنا به اذعان کارشناسان اقتصادی سبب فقر و فلاکت بیشتر خواهد شد.

از خانم ملاوردی معاون روحانی به لحاظ نقش و موقعیتش در دولت انتظار نمی رود که در بحبوحه جنگ قدرت، با اذعان به وجود فقر و فلاکتی که محصول کارکرد نظام حاکم است، و وجودش دیگر بهیچ شکل قابل کتمان نیست، کوشش نکند با انداختن همه تقصیرها به عهده جناح رقیب، فساد مدیران دولتی را لا پوشانی کند.

از همین رو ادعای مبارزه با فقر توسط ایشان و طرفداران دولت، فاقد اساس است، زیرا یکی از دلایل اصلی فجایعی که خانم ملاوردی به آنها اذعان می کند، سطح نازل دستمزدها، بیکاری و از میان برداشتن قوانین حمایتی است که دولت روحانی در تشدید آنها نقش داشته و دارد.





# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۵ تیر ۱۳۹۵ / ۲۵ ژوئن / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۹

اجرا، مالکیت قانونی محل کسب و تولید، معافیتهای مالیاتی و بسته های تشویقی برای ارتقاء توان رقابت آنان، عضویت در اتحادیه های صنفی، حمایت در برابر بستانکاران و مقررات شفاف ورشکستگی و تأمین اجتماعی اند.

در مورد کارگران مزدبگیر در بخش غیررسمی چه می توان گفت؟ برای این کارگران، رسمیت بخشی باید به معنای گرفتن شغلی رسمی با دریافت دستمزد، یا رسمیت بخشیدن به همان شغل کنونی شان - مبتنی بر قرارداد کاری مطمئن، مزایای محسوس [نسبت به فعالیت در بخش غیررسمی]، عضویت در اتحادیه های کارگری رسمی، و پرداخت سهم کارفرما به صندوق تأمین اجتماعی بابت آنان است. باید بر این نکته مهم تأکید کنیم که رسمیت بخشی به کار کارگران غیررسمی ایجاب می کند که توجه معطوف کارفرمایان آنان گردد، زیرا کارفرمایان به مراتب بیشتر از کارگران به دور زن مقررات و قانون کار علاقه مند اند. در این بافتار باید در نظر داشت که بسیاری از کارگران مزدبگیر غیررسمی، نه فقط برای شرکتهای غیررسمی، بلکه برای شرکتهای رسمی و خانوارها نیز کار می کنند.

سرانجام، و بنابراین، مهم است توجه شود که رسمیت بخشیدن به اقتصاد غیررسمی ابعاد گوناگونی فراتر از فقط ثبت و پرداخت مالیات است. رسمیت بخشی، دربرگیرنده حمایتهای قانونی و اجتماعی که شرکتهای و کارگران رسمی از آنها برخوردار اند، معافیتهای مالیاتی و بسته های تشویقی که شامل حال شرکتهای رسمی می شوند، حق سازمانیابی و برداری از صدای نمایندگی در پروسه های مقررات گذار و سیاست گذار، و امکاناتی

بسیار بیشتر است. سیاست گذاران باید ابعاد متنوع رسمیت بخشی را تشخیص دهند و نیز این حقیقت را که این اقدام یک پروسه تک بعدی نیست، بلکه پروسه ای است دینامیک و تدریجی برای تعمیم مزایا و منافع اقتصاد رسمی به کارگران "غیررسمی"؛ کارگرانی که دیگر غیررسمی نخواهند بود.



هند: اجتماع کارگران غیررسمی در حمایت از نمایندگانشان در مذاکره برای عقد قرارداد دسته جمعی؛ به با کارفرمایان، بلکه با پلیس و مقامات

درخواست از کارگران غیررسمی برای این که خود را به ثبت رسانند و مالیات پردازند، مستلزم اهدای مزایای رسمی بودن به درجات معینی به این کارگران است. خواستن از هر گروه از کارگران برای رسمی شدن مهمتر از هر زاویه ای باید متضمن بهبود شرایط زندگی آنان باشد. خلاصه این که سیاست گذاران باید ابعاد بهینه و پیامدهای رسمیت بخشی را در چشم اندازهای متفاوتی که گروه های مختلف کارگران غیررسمی از آن دارند، ملحوظ دارند.

این نیز دارای اهمیت است که درک شود رسمیت بخشی برای گروه های مختلف کارگران غیررسمی دارای معانی و تبعیبات مختلف است. تمرکز مباحثات رسمیت بخشی تا کنون بر "خویش فرمایان" در اقتصاد غیررسمی و حتی مشخصتر از این، بر شرکتهای غیررسمی که دست به اجاره [کار یا خدمات] دیگران می زنند، بوده است. مباحثات رسمیت بخشی حداقل باید تمایز بین کارگران مزدبگیر مشاغل غیررسمی و خویش فرمایان در اقتصاد غیررسمی را در نظر داشته باشند. ایده آل آن است که تمایز بین بخشهای مختلف خویش فرمایان و کارگران مزدبگیر در مشاغل غیررسمی نیز در نظر گرفته شود، زیرا هر بخش با نیازها و محدودیتهای مخصوص به خود مواجه است.

به علاوه اطمینان از این که رسمیت بخشی واقعاً با مزایا و حمایت هائی همراه خواهد بود که اقتصاد رسمی از آنها بهره می برد، دارای اهمیت بسیار است. رسمیت بخشی نباید فقط به اعمال هزینه های اقتصاد رسمی به بخشهای رسمیت یافته منتهی شود. رسمیت بخشی برای خویش فرمایان نباید فقط به معنای دریافت جواز کسب، ثبت شماره حساب آنها و پرداخت مالیات باشد. برای این گروه از فعالان در اقتصاد غیررسمی، اینها صرفاً هزینه های ورود به اقتصاد رسمی اند. آنچه آنها می خواهند برخورداری از مزایای فعالیت رسمی به ازای پرداخت هزینه های گفته شده است. مشخصاً آنها خواهان قراردادهای تجاری دارای ضمانت



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)  
شنبه ۵ تیر ۱۳۹۵ / ۲۵ ژوئن / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۹

## اخبار خارجی

/ مکزیک

### مبارزه کارگران ماکیلادورا (قسمت دوم)

دیوید بیکن

**دستمزد ناچیز، شرایط کار نامناسب، عدم وجود نماینده صنفی کارگران را خسته کرده و آن ها مبارزه می کنند.**

نمی رسد چرا که بخش روابط کارگری شکایت های تعرضات جنسی را پی نمی گیرد. برخی اوقات هم زنان شاکی را در شیفت های متوالی بکار می گمارند و یا

الی لویز، مادر مجردی از کمپ اعتراضی خارج کارخانه کامسکوپ شرکت ADC فقر مدهش را چنین تعریف می کند: "یک مادر مجرد در اینجا فقط با کمک خانواده و دوستانش می تواند روزگار را بگذارند." لویز دو دختر دارد یکی ۱۳ ساله و دیگری ۶ ساله و می گوید: "من هیچ وقتی ندارم که با آنها بگذرانم چون همیشه سرکار ام. صبح که برای کار خارج می شوم، برای دختر بزرگترم غذایی می گذارم تا برای نهار گرم کند. خرج مهد کودک ۲۰۰ پزو در هفته یا بیشتر است و من قدرت پرداخت آن را ندارم."



تظاهرات کارگران ماکیلادورا در ژانویه ۲۰۱۶ در شهر خوارز  
خوابگاهها: دستمزدها عادلانه برای کارگران و رفتار عادلانه با آنان

زمستان سردی بر شهر خوارز سایه افکنده است و شب ها به حد انجماد پایین می رود. اولیاء نگران فرزندانشان اند. دیوارهای مقوایی و پالت های فیبری "خانه" در معرض خطر آتش سوزی اند. لویز می گوید: "ما فقط برای سوپ و کمی لوبیا پول داریم. ما مدتهاست گوشت نخورده ایم." او ۶۰۰ پزو در هفته حقوق می گیرد (حدود ۳۶ دلار). "هیچ کس نمی تواند با این حقوق زندگی کند. حداقل ۲۵۰ پزو برای یک روز زندگی لازم است. در آمریکا مردم در یک ساعت معادل یک روز ما درآمد دارند."

حتی سه روز پشت سر هم باید کارکنند. اگر اعتراض کنند اضافه کاری شان را هم قطع می کنند." کاتموک استرادا، وکیل کارگران، مدعی است که "در کامسکوپ، سوپروایزرها ۵۰ پزو در هفته می گیرند تا نام کسی را در لیست اضافه کاری بگذارند. برخی چنان خجالت زده می شوند که به گریه می افتند." رائل گارسیا، کارگر کامسکوپ، روایت می کند که "کارگران معترض را به کارگاهی می فرستند که به زندان معروف است؛ به عبارت دیگر به جهنم. کارگرانی را هم که کندکاری کنند، به جایی می فرستند که به انبار اوراقی معروف است. آنجا آنها را مسخره می کنند و خجالت می دهند.

جنبش نوین کارگران از ماه اوت گذشته آغاز شد. در فاکس کان کارگران در دستشویی، موقع نهار، و در داخل صف صحبت را شروع کردند. اعتراض به شرایط به سرعت اوج گرفت. اپراتورها روی خط ۶۵۰ پزو (۳۹ دلار) در هفته می گیرند. یک خانواده بچه دار فقط باید ۷۰۰-۸۰۰ پزو برای غذا بپردازد. یک گالن شیر در خوارز به همان قیمتی است که آمریکایی ها در آن سوی رودخانه بزرگ در ال پاسو می پردازند.

"برخی سرکارگرها به زنان جوان می گویند که آنها بدن زیبایی دارند و باید با آنها بیرون بروند. اگر زنان قبول نکنند به آنها توهین می کنند، ولی شکایت زنان به هیچ جا



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۵ تیر ۱۳۹۵ / ۲۵ ژوئن / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۹

یاشواند جاین، یکی از اعضای کمیسیون نامبرده می گوید: "بسیاری از این معادن غیرقانونی اند به علاوه کودکان را به کار می گیرند تا از هزینه هاشان بکاهند. اما هیچ معدنی، خواه قانونی باشد خواه غیرقانونی، مجاز نیست از کار کودک استفاده کند. خود این اقدام غیرقانونی است."

او می افزاید: "ما با بعضی از تاجران محلی دیدار داشتیم و از آنها خواستیم که از خرید میکائی که با کار کودکان تولید می شود، پرهیز کنند. خاطرنشان هم کردیم که هرکس به این کار ادامه دهد با برخورد سخت ما روبرو خواهد شد." فعالان حقوق کودک می گویند که هزاران کودک بدون هرگونه وسائل ایمنی از دهانه و چاه تنگ معادن میکا به پائین می خزند و ۸ ساعت در روز با چکش و قلم میکا استخراج می کنند. این کار آنان را در معرض خطر انواع بیماریهای پوستی، عفونتهای تنفسی، صدمات جسمی و مرگ قرار می دهد.

بنا به تخمین سازمان بین المللی کار ۵/۷ میلیون کودک کار، در سنین ۵ تا ۱۷ سال، در هند وجود دارند. آمار مجموع کودکان کار در سراسر جهان ۱۶۸ میلیون است. برابر برخی تخمینها بیش از ۲۰ هزار مودک در معادن میکا در چهارخند و بیهار کار می کنند.

قانونی کار کنونی هند کار کودکان زیر ۱۴ سال را فقط در ۱۸ شغل خطرناک و ۶۵ پروسه ممنوع می کند. این ممنوعیت شامل کار در معادن، برش سنگهای قیمتی و صنایع سیمان



کودکان کار در استان اترپردیش، هند

است.

دولت هند در صدد است که قانون کار را، که قدمتی ۳۰ ساله دارد، با متممی برای غیرقانونی کردن کار کودک در تمامی بخشها تغییر دهد. اما کودکانی که در مشاغل خانوادگی کار می کنند، مجاز خواهند بود در اوقات خارج از مدرسه کار کنند. فعالان حقوق کودک می گویند این راه گریزی برای کارفرمایان بی اصول برای بهره کشی از کودکان است.

میکای معادن غیرقانونی به تجار و دلالان فروخته می شود. اینها هم آن را به صادرکنندگان میکا می فروشند و اینها هم به نوبه خود آن را به صنایع آرایشی، شیمیائی و الکترونیکی می فروشند. فعالان حقوق کودک می گویند که فقط معدودی از این صنایع استفاده از کار کودک را در میکای خرداری شده کنترل می کنند.

کایلش ساتیارتی، برنده جایزه نوبل و فعال حقوق کودک، گفته است که شرکتهای بزرگ برای پاک کردن زنجیره تولیدشان از کار کودک باید کوشش بسیار بیشتری بکنند.

جاین می گوید: "قربانی کردن خانواده های این کودکان، که بدون استثنا فقیر و بیسواد اند، کار ناعادلانه ایست. ما این را می فهمیم که فقر باعث آن است که این خانواده ها فرزندانشان را به جای مدرسه به معادن بفرستند. بنابراین ما بار را بر دوش تاجران می گذاریم. اینها باید که از این وضعیت سود می برند. ما فقط با افزایش آگاهی این تاجران از خطائی که مرتکب می شوند، می توانیم مسئله را حل کنیم."

کارخانه بلافاصله اضافه کاری ها را قطع کرد. بسیاری از کارگران متأهل و همسران شان در شیفت های متفاوت کار می کردند تا یکی شان بتواند در خانه از کودکانشان محافظت کند. مدیران شیفت این کارگران را عوض کردند تا مجبور باشند با هم کار کنند و در نتیجه به دلیل هزینه مهد کودک یکی شان مجبور به استعفا بشود. در نهایت روز ۱۹ اکتبر، ۱۷۱ کارگر را اخراج کردند. کارگران تصمیم گرفتند بطور دائم در مقابل ورودی کارگاه تحصن کنند و یک پست نگهبانی شبانه روزی برقرار نمایند.

## / هند

دولت به تجار محلی:

## از کودکان کار میکا خرید

روینر، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶

روز سه شنبه، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶، مقامات هند از تجار محلی خواستند که خرید میکا (شیشه معدنی) را که توسط کودکان کار استخراج شده است، متوقف کنند، زیرا دولت تحت فشار فعالان حقوق کودک به مقابله با کار کودکان برخاسته است.

سلامت هزاران کودک که برای کمک هزینه ناچیزی در معادن آلوده میکا در هند به کار مشغول اند، جداً در خطر است. میکا ماده معدنی درخشانی است که در روزلب، سایه چشم و وسائل الکترونیکی از آن استفاده می شود.

مقامات کمیسیون ملی برای حمایت از حقوق کودک (ک.م.ج.ح.ک.) برای ارزیابی از دامنه کار کودک در معادن میکا به چهارخند، یکی از ایالت شرقی هند، سفر کرده اند. این ایالت به همراه ایالت بیهار سه چهارم کل تولید میکای هند را به عهده دارند.



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)  
شنبه ۵ تیر ۱۳۹۵ / ۲۵ ژوئن / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۹

نظرسنجی جهانی

## حقوق برابر برای کارگران "اقتصاد مجازی"

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری  
**تکنولوژی به خودی خود تهدیدی برای کار درخور نیست. این طریق مدیریت  
تکنولوژی و سمت دادن آن به سوی منافع معین است، که اهمیت دارد.**

شاران بارو، دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (ک.ب.ا.ک.) بر این نظر است که "انقلاب دیجیتال فرصتهای بسیاری را برای مشاغل درخور و خدمات کیفی فراهم خواهد آورد، اگر دولتها، چنان که از آنها در صنایع سنتی انتظار می رود، برای کسب و کار در این زمینه نیز مقررات وضع کنند. موج بعدی تکنولوژی می تواند نقش عظیمی در انتقال به جهان "بی کربن" و "بدون فقر" بازی کند. اما دولتها باید به مسئولیت شان برای تضمین این که انتقال عادلانه همراه با دیالوگ اجتماعی، حقوق کار، حمایت اجتماعی و مقررات مؤثر در مرکز این روند باشد، عمل کنند."

۸۲ درصد کسانی که در نظرسنجی ک.ب.ا.ک. شرکت کرده اند، بر این نظر اند که شرکت‌هایی که خدمات شان را با استفاده از پلتفرمهای اینترنتی عرضه می کنند، باید برای کارگران شان همان حقوق و حمایت‌هایی را تأمین کنند که دیگر کارگران از آنها برخوردارند، مقوقی مثل مرخصی بیماری، تعطیلات با حقوق، بازنشستگی، نمایندگی اتحادیه ای، ...

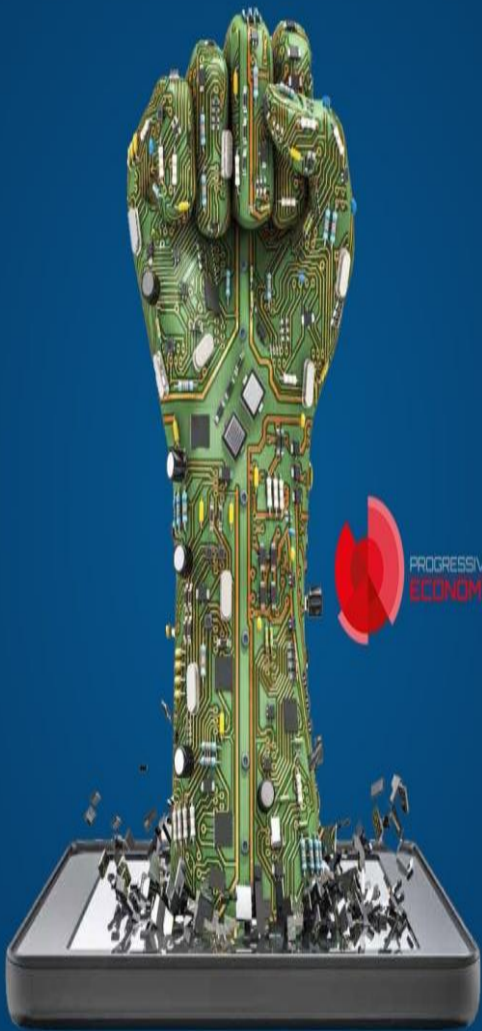
اتحادیه های کارگری جوازی اجتماعی شامل سه ماده برای کسب و کار اینترنتی تنظیم کرده اند دایر بر این که آنها باید:

- در هر کشوری که در آنجا درآمد دارند، مالیات بپردازند؛
- هر جا که سیستم تأمین اجتماعی آن سهمی برای کارفرمایان تعیین کرده است، سهم شان را بپردازند؛
- در ارتباط با روابط کار و دیگر مقررات مرتبط، در برابر قانون شفاف و محاسبه پذیر باشند.

نظرسنجی سال ۲۰۱۶ ک.ب.ا.ک. در ۹ کشور انجام شده است که مجموعاً ۵۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۴۵ درصد جمعیت دنیا را به خود اختصاص می دهند. این نظرسنجی نشان می دهد که افکار عمومی جهانی قویاً از لزوم وضع قانون برای اقتصاد دیجیتالی حمایت می کند.

حمایت از این امر در کشورهای آسائی از هر جای دیگری بیشتر است: در چین ۹۱ درصد، در کره جنوبی ۸۷ درصد و در هند ۸۷ درصد.

موافقان وضع قانون برای کسبو کار دیجیتالی در همه کشورهای اکثریت عظیمی را تشکیل می دهند: ۸۴ درصد در آرژانتین، ۸۱ درصد در آلمان و بریتانیا، ۷۸ درصد در فرانسه و کانادا، و ۷۰ درصد در امریکا.



اجتماعی باید برای تمام کارگران فراهم آید. کار آبرومندانه مستلزم حکومت قانون است."

شارران بارو می گوید: "آینده کار از حالا شروع می شود. حقوق کارگران باید محترم شمرده شوند، حداقل دستمزد - به نحوی که کارگر بتواند با آن با عزت زندگی کند - باید تضمین گردد، حق عقد قرارداد دسته جمعی و تأمین



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۵ تیر ۱۳۹۵ / ۲۵ ژوئن / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۹

خصوصی و دولتی، و اتحادیه های کارگری برگزار می کند. موضوع فوروم جستجوی طرق مشخص برای تضمین اثر مثبت اقتصاد دیجیتال بر کیفیت اقتصاد و روابط کار است. اطلاعات بیشتر در مورد فوروم در لینک زیر:

[http://www.tuac.org/en/public/e-docs/00/00/12/30/document\\_document.c.phtml](http://www.tuac.org/en/public/e-docs/00/00/12/30/document_document.c.phtml)

جان اوانز، دبیرکل کمیته مشورتی اتحادیه های کارگری (ک.م.ا.ک.) به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، می گوید: "خطراتی که با رشد پلتفرمهای اینترنتی در اقتصاد دیجیتالی همراه اند، تازه نیستند. هم اکنون هم بسیاری از پیشقرولان "برونسپاری"، کارگران اجاره ای و حتی کارگران صنایع "اقتصاد سنتی" هستند که می توانند عبارت "حسب درخواست" (on demand) را به عبارات روشنتری مثل زدن از دستمزد، مشاغل ناامن، عدم دسترسی به تأمین و امنیت اجتماعی" ترجمه کنند."

او می افزاید: هر کارگری باید از حق عقد قرارداد دسته جمعی برخوردار باشد. اتحادیه های کارگری می کوشند مانع از آن شوند که تکنولوژی قرن بیست و یکمی به شرایط کار قرن نوزدهمی در اقتصاد دیجیتالی منجر گردد. حق کارگران برای شکل در اتحادیه ها و عقد قرارداد دسته جمعی باید جزئی از یک "قرارداد جدید" باشد. کارگران و تعداد دائماً بیشتری از سازمانهای مقررات گذار این را تشخیص داده اند. اهمیت دارد که کارفرمایان "اقتصاد جدید" نیز این را تشخیص دهند."

ک.م.ا.ک. از روز ۲۱ تا ۲۳ ژوئن، پیش از اجلاس وزرای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، فورومی را با مشارکت سازمانهای مدنی، بخش

## متن منتخب

محمود بهشتی لنگرودی:

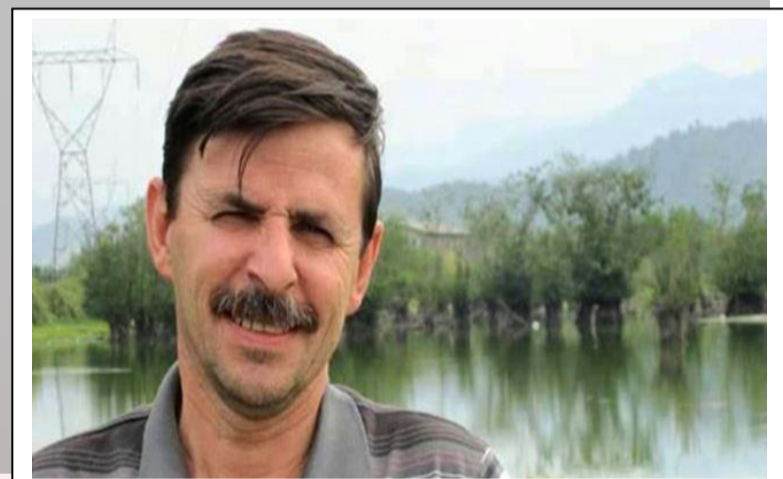
### کاش قبل از این که دیر شود ...

سایت حقوق معلم و کارگر

محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان از

ملاقات جعفر عظیم زاده در بیمارستان سینا می گوید، از جعفر که کمر خم نکرده

و استوار ایستاده است.



دیروز به دیدار جعفرعظیم زاده رفتیم. دوستان دیگری هم که نگران سلامتی او بوده و هستند آمده بودند. بعضی هادلسوزانه و مضطرب، دعوتش می کردند به شکستن اعتصاب غذا و این که صدایت شنیده شد و جان عزیزت برایمان ارزشمندتر از هر دستاوردی است، که به بهای از دست دادن آن حاصل شود اما، با وجود ضعف شدید جسمانی، ضربان ضعیف نبض و تاکید پزشکان مبنی بر این که در صورت خودداری از خوردن، دیگرهیچ کاری از دست شان برنمی آید، بر ادامه ی اعتصاب غذا تا حصول نتیجه و رسیدن به مقصود پافشاری می کند.

حقیقتاً نمی توان در برابر این جثه ی ضعیف و اراده ی پولادین سرتعظیم فرود نیورد.

با این وصف از قهرمان شدن و تعریف و تمجید خوشش نمی آید و قهرمان واقعی این داستان را کسانی می داند که از او حمایت کرده و می کنند و البته همسر محترمش که تحمل این همه فشار، هنوز کمرش راخم نکرده و استوار ایستاده است. امروز، مرگ و زندگی کارگر زندانی، جعفرعظیم زاده، که در اعتراض به احکام ناعادلانه و انگ های امنیتی، بیش از ۵۶ روز است که در اعتصاب غذا به سر می برد، در دست مسوولان قضایی و امنیتی است. کاش قبل از این که دیرشود، تصمیمی منطقی و عاقلانه اتخاذ شود.



**با تشکیل کمپین  
های گسترده در  
فضای مجازی؛**

**در دفاع از فعالان  
کارگری دربند،  
فعالان شرکت کنیم**